

## مقاله مروری

# آسیب شناسی وضعیت زنان بختیاری در خاطرات بی بی مریم بختیاری

محمود مهمان نواز<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۱، تاریخ تأیید: ۹۹/۰۹/۱۵)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین وضعیت زنان بختیاری و مشکلات و آسیب‌های آنها در خاطرات بی بی مریم بختیاری به انجام رسیده است. روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزار اصلی پژوهش استناد به کتاب خاطرات بی بی مریم بختیاری و منابع معتبر آن دوره می‌باشد. در نهایت بر پایه یافته‌های حاصل از منابع استنتاج، تبیین و تحلیل به عمل آمده است. این پژوهش مشکلات و آسیب‌های زنان بختیاری را مورد واکاوی قرار داده که بسیاری از این مشکلات در قالب زندگی بی بی مریم مطرح شده‌اند. یافته‌ها بیانگر آن است که زنان بختیاری در جامعه مردسالار بختیاری با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده‌اند. نرسیدن ارث به زنان، بی‌سواد بودن اکثریت زنان و عدم آزادی زنان در زمینه اشتغال مشکلاتی بودند که از دید بی بی مریم، زنان بختیاری با آنها مواجه بودند. همچنین در امر زناشویی به علت وجود رسوم نادرست، زنان از کمترین حقوق برخوردار بودند به گونه‌ای که کمترین تضمینی برای خوشبختی آنها و یا حتی رهایی بی دردسر از زندگی مشترک سختی که ممکن بود داشته باشند وجود نداشته است.

**کلیدواژگان:** بی بی مریم، زنان، قاجار، ایل بختیاری، خاطرات

---

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران mehmannavaz86@gmail.com

## مقدمه

نخستین کسانی که اطلاعاتی مفید درباره وضعیت اجتماعی زنان در ایران و به ویژه زنان طبقات پایین ارائه نمودند سفرنامه نویسان غیر ایرانی بودند که بنا بر دلایل مختلف به این سرزمین مسافرت کرده‌اند. این روند به صورت جدی از دوران صفویه آغاز گردید که سبب شد امروزه اطلاعاتی هرچند کم از وضعیت زنان آن دوره داشته باشیم. در زمان حکومت قاجار با توجه به افزایش ارتباطات با دنیا و همچنین نگارش سفرنامه‌های بیشتر، اطلاعات در مورد وضعیت و جامعه زنان نیز افزایش یافت. در این بین برخی از این سفرنامه نویسان و محققان به زنان ایلات و عشایر و به خصوص زنان ایل بختیاری توجه نموده و در مورد آن‌ها اطلاعاتی ارزشمند ارائه کرده‌اند که می‌توان به لایارد، کرزن، ویلسن و رایس اشاره نمود. جامع‌ترین اطلاعات را ایزابلا بیسوب که در سال ۱۸۹۰م به سرزمین بختیاری رفته ارائه داده است. وی به سبب آنکه خود زن بود به آسانی با زنان بختیاری ارتباط برقرار کرده و به نکات جالبی اشاره نموده است.

تا پیش از سلسله قاجار کمتر کتابی می‌توان یافت که در مورد زنان نوشته شده باشد. شاید یکی از مواردی که بتوان به آن اشاره نمود کتاب کلثوم ننه می‌باشد (خوانساری، ۲۵۳۵) که در دوره صفویه به زبان طنز نوشته شده است. در دوره قاجار (۱۳۴۴-۱۲۱۰ق) فصل جدیدی از حیات زن ایرانی آغاز شد زیرا در نتیجه رشد افکار جامعه، زن ایرانی بیش از پیش به عرصه اجتماعی وارد و نقش او در امور اجتماعی و سیاسی نمایان شد (بهشتی سرشت و پرویش، ۱۳۹۴: ۳۲۷). تحولات جهانی سبب گردید که جامعه ایران در زمان قاجار با یکسری از دستاوردهای تمدن نوین آشنا شود. از جمله موارد نوینی که در زمان قاجار وارد ایران شد صنعت چاپ بود که سبب آشنایی جامعه ایران با پیشرفتهای اروپاییان از طریق مطالعه روزنامه و کتب گردید. مورد دیگر تاسیس مدارس نوین بود که از این طریق سطوح مختلفی از جامعه توانستند سواد بیاموزند. این دو مورد سبب گردید که بخشی از زنان ضمن سوادآموزی با برخی حقوق خویش نیز آشنا شوند. همچنین ورود زنان زیادی از اروپا به ایران در قالب جهانگرد، سفیر ... و مسافرت آنها به نقاط مختلف ایران و معاشرت این زنان با زنان ایرانی سبب گردید که زنان با مفاهیم جدید و برخی توانایی‌های خویش آشنا شده و خود را با آنان مقایسه کنند که چرا آنها می‌توانند و زن ایرانی نمی‌تواند از چنین آزادی برخوردار شود؟ در واقع یکی از دلایل وقوع انقلاب مشروطیت ورود افکار نوین به سرزمین ایران و آشنایی طبقات مختلف جامعه با برخی از حقوق خویش بود. زنان بخش قابل توجهی از جامعه ایرانی را تشکیل می‌دادند که بخشی از آنان با تاثیرپذیری از افکار غرب و آشنا شدن با بخشی از حقوق زنان، این مسئله را به

امری مهم در جامعه آن روز تبدیل کردند. این امر سبب گردید که زنان پس از انقلاب مشروطه به صورت اساسی در پی رساندن صدای خویش به گوش جامعه باشند که نهایتاً «در ۱۰ رمضان ۱۳۹۸ قمری<sup>۱</sup> "دانش" نخستین نشریه اختصاصی زنان در هشت صفحه به مدیریت دکتر کحال، دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی انتشار یافت» (نوروز مرادی، ۱۳۸۰: ۳) البته این تحولات در حوزه زنان صرفاً شامل حال زنان شهری می‌شد. می‌توان ادعا نمود که توجه به زن به عنوان بخش مهمی از جامعه، پس از انقلاب مشروطیت رسمیت یافت. با وجود آنکه از سال ۱۲۸۹ش. زنان به طور رسمی صاحب نشریه مستقل شدند اما سال‌ها طول کشید تا مطالعات تحقیقی و علمی در مورد احوال زنان در ایران به چاپ برسد. به طور کلی توجه به وضعیت زنان مخصوصاً تاریخ زنان، ابتدای امر در غرب و تحت تاثیر برخی مکاتب تاریخ‌نگاری از جمله مکتب آنال شکل گرفت<sup>۲</sup> و سال‌های زیادی طول کشید تا لزوم توجه به مطالعات حوزه زنان در ایران احساس شود و مطالعات مستقلی در این باره به انجام برسد. مطالعات شکل گرفته در حوزه تاریخ زنان بیشتر معطوف به زنان تاثیرگذار در تاریخ بوده و تاریخ زنان جامعه ایلی کمتر مورد توجه بوده است. این امر شاید به سبب کمبود منابع و دشواری‌های ناشی از آن بود اما به سبب آنکه بخش عمده‌ای از حکومت‌های شکل گرفته در ایران خاستگاه عشیره‌ای و ایلاتی داشته‌اند و همچنین ایلات در طول تاریخ بخش عمده‌ای از جامعه ایرانی را تشکیل داده‌اند، ضرورت توجه به جامعه ایلی و عنصر زنان در این جامعه از سوی محققان بیشتر احساس گردید. ایل بختیاری یکی از بزرگترین و مهمترین ایلات ایران می‌باشد که توجه برخی از محققان را جهت تحقیق و مطالعه درباره وجوه مختلف آن به خود جذب نموده است. در مورد زنان بختیاری نیز تحقیقاتی به انجام رسیده که در راس آن باز هم محققان غیر ایرانی و غیر بختیاری قرار دارند که از جمله می‌توان به ژان پیر دیگر اشاره نمود که جدیدترین تحقیقات را درباره جامعه بختیاری و زنان این ایل به انجام رسانده است. همچنین کم و بیش می‌توان به کسان دیگری مانند الویار رستریپور و سهیلا شهشهانی اشاره نمود. ویژگی مشترک منابع و محققان ذکر شده آن است که همگی خارج از نظام ایل بختیاری بوده‌اند اما این پژوهش بر مبنای اطلاعاتی است که یک زن بختیاری تدوین کرده و خود همه حوادث را با تمام وجود دیده و لمس نموده است. بی‌بی مریم بختیاری به عنوان دختر خان بختیاری از نخستین زنان

۱ برابر با ۲۳ شهریور ۱۲۸۹ش

۲ برای مطالعه بیشتر ن.ک؛ فصیحی، ۱۳۸۸: ۶۷-۴۳

جامعه ایلی بود که سعی نمود باورها در مورد زن را تغییر دهد و نقش طبقه خاموش را در جامعه افزایش دهد. این کتاب معدود آثار دوره قاجار می‌باشد که آگاهی عمیقی از وضعیت زنان جامعه ایلی و بخصوص زنان بختیاری با قلم یک زن بختیاری عرضه می‌کند که خود عمیقاً آسیب‌های زنان ایل را تجربه کرده و در این خصوص اطلاعات بکری ارائه می‌نماید. از قضا نویسندگان با انواع مشکلات زنان در زندگی شخصی خویش مواجه شده و به همین خاطر می‌توان با استفاده از این اطلاعات به بازایی وضعیت زنان بختیاری و مشکلات آنها در دوره قاجار نزدیک شد. هدف از این پژوهش بررسی این آسیب‌ها و مشکلات بوسیله خاطرات بی‌بی مریم به عنوان یک منبع اصیل است و در این راستا سوالاتی مطرح می‌باشد: مهمترین مشکلات زنان بختیاری در زمینه ازدواج و مسائل مربوط به زناشویی کدام مشکلات بودند؟ وضعیت نامساعد زنان از دیدگاه بی‌بی مریم بختیاری ناشی از چه عواملی بوده است؟ مهمترین مشکلاتی که زنان ایل بختیاری با آن مواجه بودند چه نوع مشکلاتی بودند؟

تاکنون پژوهشی مستقل در مورد خاطرات بی‌بی مریم بختیاری و همچنین دیدگاه‌های وی نسبت به زنان صورت نگرفته است. یافتن پژوهشی به عنوان پیشینه این پژوهش تقریباً امری دشوار می‌باشد اما برخی تحقیقات در مورد زنان بختیاری صورت گرفته که به طور کلی به این موضوع پرداخته‌اند. سه مقاله در این ارتباط به انجام رسیده که تقریباً عناوینی مشابه با یکدیگر دارند: «نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ق/۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م)» (کجباف و دیگران، ۱۳۹۲)، «بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان ایل بختیاری بر اساس آثار سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجاریه» (ربانی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴) و «بررسی وضعیت اجتماعی زنان در دوره قاجار با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان» (دنیاری و علم، ۱۳۹۵). همانگونه که از عناوین مشخص می‌باشد تکیه آنها بر مطالب سفرنامه‌های آن عصر است و صرفاً در مقاله «کجباف و دیگران» به صورت مختصر چند نقل قول درباره بی‌بی مریم به عنوان یکی از زنان سیاسی ایل بختیاری آورده شده است.

## روش پژوهش

روش این تحقیق، تبیینی-تحلیلی با رویکردی تاریخی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته و در نهایت بر پایه یافته‌های حاصل از منابع گوناگون استنتاج و تبیین به عمل آمده است. روش کتابخانه‌ای در پژوهش‌های تاریخی دارای اهمیت و کاربرد فراوانی می‌باشد. مهمترین ابزار در این تحقیق، خاطرات بی‌بی مریم بختیاری که در زمان

قاجار نگاشته شده، می‌باشد. خاطره نگاری در تاریخ ایران در اشکال و ابعاد مختلف رایج بوده اما رونق این امر بیشتر مربوط به دوران معاصر می‌باشد «مهمترین ویژگی خاطره‌نگاری و بخصوص حدیث نفس (اتوبیوگرافی) حضور فعال «من نویسنده» در صحنه خاطرات است، خواه به عنوان عامل اصلی رویدادها، یا به عنوان شاهد عینی آنها و یا به عنوان راوی خاطرات دیگران» (اشرف، ۱۳۸۸: ۳۴۸). یکی از راههای تشخیص اعتبار یک منبع تاریخی، نزدیکی آن منبع به حادثه تاریخی مورد بحث، می‌باشد. خاطرات بی‌بی مریم معمولاً بر پایه مشاهدات عینی و تجربیات شخصی خود نگاشته شده و نویسنده سعی نموده است در نوشته‌های خود صداقت را رعایت کند و این در اشارات مختلف وی به زندگی شخصی اش هویدا می‌باشد. با این وجود سعی شده در مورد اطلاعاتی که وی ارائه نموده جهت سنجش صحت و سقم آنها از منابع دیگر نیز یاری گرفته شود.

### ایل بختیاری

ایل بختیاری یکی از مهمترین ایلات ایران می‌باشد که در چند قرن اخیر تاثیرات مهمی در روند حوادث تاریخی ایران داشته است. حدود جغرافیایی آن از شمال به اصفهان و لرستان، از شرق به اصفهان، از غرب به خوزستان و از جنوب به کهگیلویه و بویراحمد محدود می‌شود که به طور کلی حدود ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شود و در قسمت جنوبی سلسله جبال زاگرس و بین اصفهان و اهواز می‌باشد (قربان‌پور دشتکی، ۱۳۸۱: ۱۷۴ و دیگران، ۱۳۶۹: ۲۳). شیوه معیشتی این ایل به صورت شبانکاره‌ای و جابجایی بطرف ییلاق و قشلاق است. ایل بختیاری به دو شعبه عمده هفت لنگ و چهارلنگ تقسیم می‌شود که هرکدام نیز به تعدادی باب یا بلوک منقسم می‌شوند. سلسله مراتب بعد از بلوک به این شکل می‌باشد: طایفه - تیره - تش - اولاد - فامیل - خانوار (دیگار، ۱۳۶۹: ۲۴).

### بی‌بی مریم بختیاری

بی‌بی مریم دختر حسینقلی خان ایلخانی و خواهر سردار اسعد بختیاری متولد سرزمین بختیاری می‌باشد و آنگونه که خود می‌نویسد از طرف پدر هفت لنگ و از طرف مادر چهار لنگ بوده است (بختیاری، ۱۳۸۲: ۲۳). در سنین کودکی پدرش توسط ظل‌السلطان حاکم اصفهان و پسر ناصرالدین‌شاه قاجار به قتل رسید (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۵۶). قتل پدر و اسارت برادران باعث شد تا وی دوران سختی را در کودکی پشت سر بگذارد به گونه‌ای که او از هفت سال

سخت یاد می‌کند (بختیاری، ۱۳۸۲: ۵۴، ۶۵). او دوبار ازدواج نمود و از محدود زنان باسواد ایل بختیاری و از سران مشروطه بود و بعدها در جنگ جهانی اول نیز نقش ایفا نمود. آرنولد ویلسن که با وی دیدار داشته نوشته است: «من در بین مردم ایران از هر طبقه اعم از ذکور و اناث حتی در میان رجال سیاسی این کشور کمتر کسی را دیده‌ام که به اندازه این بی‌بی وسعت اطلاعات داشته باشد.» (۱۳۴۷: ۲۵۰). این ویژگی خاطره‌نگاری سبب مستند و ناب بودن اطلاعات آن می‌شود. از بی‌بی مریم می‌توان به عنوان یکی از پیشگامان حقوق زنان در میان جامعه ایلی نام برد. چیزی که در جوامع ایلی بخصوص در مورد زنان کمتر مورد توجه می‌باشد مسئله تحصیل و سوادآموزی است و از اینجا می‌توان به اهمیت کار و جایگاه او پی برد. بی‌بی مریم در خاطرات خود دغدغه‌ای بزرگ به نام آزادی و پیشرفت ایران را دارد و بارها بر آن تاکید نموده است.

### وضع اجتماعی زنان ایران و بختیاری

وضعیت زنان ایران در دوره قاجار به طور عمومی نسبت به دوره‌های قبل تفاوتی نداشته و در ادامه روند نامناسب گذشته بوده که در ابعاد مختلف قابل بررسی است اما از سوی مورخان و منابع داخلی آن دوره تا حدودی مغفول مانده که به نظر می‌رسد ناشی از طبیعی بودن وضعیت زنان برای مورخان و منابع آن دوره بوده است. بی‌بی مریم بختیاری به عنوان یکی از زنان آن دوره که وابسته به بخش ایلی جامعه بود سعی نمود به بیان آسیب‌ها و وضعیت نامناسب زنان آن دوره بپردازد: «خوشا به سعادت آفریقایی‌ها خدا می‌داند وحشی‌ها از ما خوشبخت‌ترند خدا می‌داند تمام کره ارض از ما زن‌های ایرانی خصوصا بختیاری بدبخت‌تر و دلیل‌تر نیست» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۱۵). اشاره به زنان آفریقایی و تعبیر وحشی برای آنها بیشتر ناشی از طرز تفکر رایج در آن زمان می‌باشد که آفریقایی‌ها را مردمانی وحشی می‌دانستند. به هر روی بیان این مطلب که بدبخت‌ترین زنان جهان، ایرانی‌ها و خصوصا بختیاری‌ها هستند ناشی از شناخت نویسنده از زنان نقاط مختلف جهان نیست بلکه تعبیری برای نشان دادن وضعیت اسفناک زنان ایرانی است. او در جای دیگر در مورد وضعیت زنان می‌نویسد: «ای زن بدبخت! ای زن ایرانی! ای مظلوم بدبخت! آیا تو مخلوق خدا نمی‌باشی؟ آیا تو نوع بشر نمی‌باشی؟ آیا تا کی باید مثل حیوان تو را خرید و فروش کنند، بخصوص زن بختیاری که هیچ مقامی را دارا نیست؟ واقعا خانم‌های دنیا باید بحال خانم‌های بختیاری گریه کنند» (همان: ۱۵۹) و در جای دیگر می‌نویسد

۱ برای نمونه: کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۸۲-۱۹۸-۲۲۷. عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۲۹۵

زنان بختیاری در جامعه بختیاری را داخل آدم به حساب نمی‌آورند (همان: ۱۴۳). او برای نشان دادن تفاوت دختر و پسر و عدم امکان پیشرفت دختران و زنان مقایسه‌ای بین خود و برادر کوچکش یوسف‌خان «امیر مجاهد» که سه سال از بی‌بی مریم بزرگتر بود انجام می‌دهد و می‌نویسد در زمانی که آنها کوچک بودند او همیشه برادر خود را کتک می‌زده و می‌گوید من زرنگ‌تر بودم «اما حالا از آنجایی که زن‌های بدبخت در ایران ترقی نمی‌کنند و صفت‌های خوب آنها در پس پرده است، ایشان یک مرد بزرگ متشخص شده است، من یک نفر زن پشت پرده- نشین بودم، او ترقی نموده است، من تنزل. در ایران زن‌های بدبخت یا باید بزک بکنند، شبانه روز در فکر لباس و پودر و سرخاب باشند یا خیاطی و ریسمان تابیدن، کار بزرگ آنها همین است» (همان: ۴۳).

بی‌بی مریم انتقادات بسیار تندی نسبت به نقش نداشتن زنان در جامعه ایرانی و بی‌اهمیت بودن آنها دارد و می‌گوید تنها اموری که مردان به زنان واگذار می‌کنند «ترشی، خیار بادمجان انداختن می‌باشد. می‌گویند زن باید خودش را مثل بادمجان بکند و میان کوچه راه برود و خدا می‌داند وقتی که چاق خور (چاقچور) و چادر می‌کند و در کوچه راه می‌رود و آن روبنده را می‌زند به یمن بادمجان بزرگ که راه بروند و تمام اخلاق زن‌های اسلامی برای همین رو گرفتن فاسد شده است» (همان: ۴۳-۴۲) این گفتار بی‌بی مریم ناظر بر دو رویکرد می‌باشد یکی عدم فعالیت اجتماعی زنان در جامعه که ناشی از عدم اجازه به آنها از سوی مردان می‌باشد و دوم پوشش زنان که به نظر می‌رسد وی منتقد آن بوده و اعتقاد داشته چنین پوششی راه را برای فساد بیشتر زنان مهیا نموده است. این امر از سوی برخی ناظران غیر ایرانی نیز مورد تایید قرار گرفته است. هانری رنه آلمانی معتقد است که نوع پوشش زنان شهری به دلیل آنکه کاملاً آنها را پوشش می‌دهد و قابل تشخیص نیست که چه کسی زیر چاقچور هست باعث شده آزادانه به هر عملی دست بزنند (۱۳۳۵: ۳۰۹).

بی‌بی مریم صرفاً به بیان بدبختی‌های زنان نپرداخته و سعی کرده دلایل این امر را نیز بیان کند. مهمترین عامل از نظر وی، کم علمی و بی‌سوادی زنان می‌باشد. اصولاً زنان ایرانی در دوره قاجار کمتر از امر آموختن و آموزش برخوردار بودند. آلمانی می‌نویسد آرزوی بسیاری از زنان ایرانی رهایی از جهالت است و اظهار می‌کند که در میان زنان ایرانی مطالعه کتاب چندان معمول نیست (همان: ۳۱۸-۳۱۷). در مطلبی از روزنامه تمدن مخالفت جدی مردان با سواد آموختن زنان ایرانی بازتاب داده شده و به نقل یکی از زنان آن دوره آمده است که: «اگر کتاب می‌توانستیم بخوانیم یا خط می‌توانستیم بنویسیم، پدران عزیزمان با کمال تغییر کتاب و قلم را از

دستمان گرفته، پاره کرده و شکسته به دور می‌انداختند که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد<sup>۱</sup>. همچنین روزنامه نامه بانوان، جامعه ایران آن عصر را جامعه‌ای بی‌سواد دانسته و نوشته «درصدی نود و نه بلکه بیشتر بی‌سواد هستند»<sup>۲</sup>. کلازا رایس به طور مشخص در مورد زنان ایل بختیاری می‌گوید: «به طور کلی آموزش و پرورش در میان افراد ایل تقریباً امری ناشناخته است» (۱۳۸۳: ۶۳). بی‌بی مریم نیز از نبود مدرسه در میان بختیاری‌ها انتقاد کرده و نوشته از هزار نفر، صد نفر سواد جزئی هم ندارند (۱۳۸۲: ۱۲۱). عدم گسترش سواد و سوادآموزی در میان بختیاری‌ها خصوصاً زنان ایل نمی‌تواند بی‌ارتباط با شیوه زندگی آنها (کوچروی) باشد. به هر روی بی‌بی مریم این بی‌سوادی را دلیل عمده اوضاع نامساعد زنان ایران و بختیاری می‌داند: «افسوس که وجود چندین (میلیون) زن در خاک ایران از عدم علم برای هیچ کس اهمیتی ندارد» (همان: ۴۲).

وی در بیان دلایل اوضاع نامساعد زنان، به خود زنان تاخته است: «تمام بدبختی‌های ما از خودمان می‌باشد زیرا که نه علم داریم و نه حقوق می‌دانیم ... فکر می‌کنیم فقط برای رفع شهوت مردها خلق شده‌ایم و یا برای کنیزی و اسارت خلق شده‌ایم» (همان: ۱۱۶-۱۱۵). عدم رعایت حقوق زنان بختیاری و وضعیت نامساعد آنها را جدا ناشی از بی‌لیاقتی خود زنان دانسته است «ما زن‌های بختیاری قابل همین هستیم که در حقیقت ما لیاقت داشتیم یا می‌دانستیم که خداوند ما را برای چه خلقت کرده است نمی‌توانستند این همه ظلم در حق ما بکنند ... زن‌های بدبخت و سیاه روز بختیاری برای کلفتی و رفع شهوت خلقت شدند (همان: ۱۵۹).

در نهایت، بی‌بی مریم می‌گوید ترس آن دارد که بمیرد و آزادی زنان و برخوردار شدن آنها از حقوق اولیه را نبیند (همان: ۴۷) و اینکه آرزو داشت دارای قدرتی می‌بود که می‌توانست برای استیفای حقوق زنان بختیاری کاری انجام دهد اما نداشتن شوهری لایق که همراه او باشد را عامل عدم کامیابی در دستیابی به این هدف می‌داند (همان: ۱۲۱-۱۲۰). بنابراین، بی‌بی مریم بختیاری به خوبی بر وضعیت نامناسب زنان در ابعاد مختلف آگاهی و اشراف داشته است و بیش از آنکه به نقد مردان بپردازد، زنان را عامل این اوضاع می‌داند زیرا از سوی آنها تلاشی برای رهایی از این وضعیت انجام نشده است.

۱ ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری. سال ۱. شماره ۱۲. ص ۱.

۲ ۲۷ سنبله ۱۲۹۹. شماره ۴. ص ۲.



## حقوق اجتماعی زنان بختیاری

یکی از مهمترین مسائل اجتماعی مربوط به حوزه زنان که مورد توجه وی قرار گرفته، مسئله ارث در جامعه بختیاری است. بی‌بی مریم ارث نبردن زنان را یک نوع قانون وحشی‌گری می‌داند (همان: ۱۱۰) و با انتقاد تند نسبت به این مسئله می‌نویسد: «ما زنهای ایرانی ابدًا از عالم انسانیت خارجیم خصوصاً زنهای بختیاری، باز هم خانم‌های مدنی و شهری ارث از پدر و مادر یا شوهر می‌برند، ما زنهای بختیاری تا در خانه پدریم یک مخارجی آنهم جزئی داریم وقتی که شوهر کردیم حق اینکه از مال پدر، خانه پدر اسمی ببریم نداریم» (همان: ۱۱۶). این عدم استقلال مالی سبب مشکلاتی برای زنان بخصوص زنان مطلقه و یا بیوه‌ای که شوهرشان از دنیا می‌رفت می‌شد. زنی که طلاق می‌گرفت نمی‌توانست اموالی را با خود ببرد (شهری، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۸۶) و بی‌بی مریم از این وضعیت به «خر بیار و معرکه بار کن» تعبیر می‌کند (بختیاری: ۱۱۶). او با اشاره به نداشتن حق ارث می‌گوید اگر دارای چنین حقی بود در ازدواج دوم به گونه‌ای دیگر عمل می‌کرد. اگر «می‌دانستم که بقدر معاشم از ارث پدریم دارا هستم فوری طلاق می‌گرفتم» (همان: ۱۵۹). وی همچنین ازدواج زنان بختیاری را ناشی از «ترس از روزی» می‌داند (همان: ۱۴۳) یعنی آنکه زنان از ترس اینکه مبادا با فقر ناشی از نداشتن حقوق مالی مواجه شوند تن به ازدواج و مشکلات طاقت‌فرسای خانه شوهر، می‌دهند (درباره مشکلات مربوط به ازدواج در میان زنان بختیاری بحث خواهد شد). در واقع بی‌بی مریم در خاطرات خویش با ظرافت خاصی عدم ارث بردن زنان بختیاری و وجود این محرومیت اجتماعی در قوانین جامعه بختیاری را با مشکلات زنانوبی پیوند زده و یکی از پیامدهای این محرومیت را وقوع ازدواج‌های ناموفق و در نتیجه مشکلات مربوط به آن دانسته است.

بی‌بی مریم درباره سرگذشت برادر دومش امیرقلی‌خان که شخصی مذهبی بوده و زود از دنیا رفته بود می‌نویسد که وی فقط سه دختر داشت اما دخترانش خوشبخت نیستند به دلیل آنکه ارث پدر به آنها نرسیده و ارث پدرشان به عموهایشان رسیده است «یک جزئی پولی به دخترهایش دادند ... امیرقلی‌خان این همه دولت داشت، پسر هم نداشت به دخترهای او یک ملک ندادن» (همان: ۴۱). در واقع مرد بدون فرزند پسر به مرد بدون فرزند و وارث شبیه بود. این رسم که حتی با اصول اسلامی نیز در تضاد بود سبب شد تا بی‌بی مریم بنویسد در عصری که ما هستیم هیچ قانونی وجود ندارد و «اسما مسلمان می‌باشند، ولی رسماً خیر» (همان: ۱۴۳).

یکی دیگر از مواردی که بی‌بی مریم به آن انتقاد داشت عدم اجازه به زنان در جهت داشتن شغلی مستقل بود. چرا «زن‌های بیچاره ایرانی در گوشه خانه در به روی آنها بسته باشد؟ و از

تمام کارهای علام (عالم) عقب بمانند؟ وقتی زن‌های اروپایی را می‌بینم این جور مردانه کار می‌کنند و این همه وجود آنها بدرد وطن می‌خورد، بحدی افسوس می‌خورم، بحدی از حال طبیعی خارج می‌شوم که تمام عصب‌های من تیر می‌کشد. مثل اینکه می‌خواهم دیوانه شوم» (همان: ۴۸). باید در نظر داشت این جملات در حالی از سوی یکی از زنان طبقه خوانین بختیاری مطرح شده که زنان بختیاری به مقتضای نوع معیشت فعالیت گسترده‌ای در امور اقتصادی داشتند اما کار و اشتغال خارج خانه که مورد نظر او بود غیر از این یعنی تاثیرگذاری زنان همانند مردان در همه امور جامعه بود. وی در جایی درباره رفتن سران بختیاری به تهران برای دفاع از مشروطه افسوس می‌خورد که چرا نمی‌تواند مثل مردان و دوشادوش آنها راهی نبرد شود (همان: ۱۸۲). این امر نشان می‌دهد منظور او از کار زنان چیزی فراتر از انگیزه‌های اقتصادی و اموری شبیه دامداری، چادربافی، قالی‌بافی و بیشتر در راستای مطالبه‌ای اجتماعی - حقوقی یعنی تساوی حقوق اجتماعی زنان با مردان بود.

### ازدواج و مسائل مربوط به آن در میان زنان بختیاری

ازدواج به عنوان راهی برای افزایش جمعیت که یک اصل اساسی در جوامع ایلی محسوب می‌شود، همواره مورد دقت و توجه جامعه ایلی ایران قرار داشته است. در ایران عصر قاجار ازدواج برای زنان ایلی با چالش‌های زیادی مواجه بود و در واقع تابعی از میل و اراده مردان درقبال زنان بوده است. ازدواج اجباری زنان به صورت گسترده‌ای وجود داشت به گونه‌ای که بی‌بی مریم که در شمار زنان طبقه بالای جامعه بوده دوبار ازدواج اجباری و در خاطرات خود نیز بارها به این مسئله اشاره نمود.

در این راستا یکی از آسیب‌های جدی، ازدواج زودهنگام دختران در کودکی بود. هنری لایارد می‌گوید: «در میان بختیاری‌ها هم مانند سایر مردم خاور زمین ازدواج و عروسی در سنین پایین انجام می‌گیرد و اطفال در سنین کودکی با هم نامزد می‌شوند» (۱۳۶۷: ۱۰۰). دو سیاح دیگر اروپایی یعنی بیشوب و آلمانی نیز بر این موضوع که دختران بختیاری در سنین پایین ازدواج می‌کنند، صحه گذاشته‌اند (بیشوب، ۱۳۷۵: ۱۰۸ و آلمانی، ۱۳۳۵: ۱۰۳۲). در چنین شرایطی مسلماً دختران هیچگونه نقشی در انتخاب همسر خود نداشته‌اند و صرفاً تحت تابعیت نظر سرپرست خانواده (پدر یا برادر) بودند.

ازدواج اول بی‌بی مریم در سنین پایین و بنابر یک رسم مرسوم در میان بختیاری‌ها اتفاق افتاد. در چهل روزگی پدرش او را به عقد پسر محمدعلی‌خان یکی از خوانین بختیاری در آورد

(بختیاری، ۱۳۸۲: ۵۳) و در سن پانزده سالگی با وی عروسی کرد. «سرنوشت ما دخترهای ایرانی خصوصاً دخترهای بختیاری را ملاحظه می‌کنید. دختر پانزده ساله را بدهند به یک مرد چهل ساله که دارای دو زن، پنج شش نفر اولاد است» (همان: ۵۴). جان ویشارد نیز براساس مشاهدات خود از چنین ازدواج‌هایی نوشته «دخترانی را دیده‌ام که در سن دوازده سالگی با مردانی در حد سنی پدربزرگشان بوده‌اند، ازدواج کرده‌اند» (۱۳۶۳: ۲۵۵). چنین ازدواج‌هایی باوجود نارضایتی شدید دختر به دلیل شرایط و رسومات سنتی به انجام می‌رسید. «در جوامعی که ازدواج کودک شایع است، یک فشار اجتماعی در سازگار ساختن آنها با فرهنگ و سنت محل سکونت وجود دارد که در صورت عدم تطابق و ناسازگاری، منتهی به تمسخر، مذمت و یا شرم خانواده می‌شود» (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۴۱). بی بی مریم به نارضایتی برادرانش نسبت به ازدواج اولش اشاره می‌کند اما در عین حال برادرانش «به خاطر جذب قلوب بختیاری‌ها محترم که دارای فامیل و اسم و رسم بودند» به چنین ازدواجی رضایت دادند (۱۳۸۲: ۵۴). در واقع به نظر می‌رسد همان فشار اجتماعی و پیروی از سنن مرسوم سبب شد باوجود نارضایتی برادران، ازدواج به سرانجام برسد. نابرابری زن و مرد سبب و زمینه‌ساز رسوم و حتی قوانینی شده‌است که معمولاً منجر به ضرر زنان می‌شود (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۴۰).

ازدواج اول بی بی مریم پس از چهار سال و سه ماه با مرگ شوهرش به پایان رسید. ازدواج دوم نیز با کمترین رضایت از سوی او رخ داد. در ازدواج دوم با وجود آنکه وی بیش از بیست سال سن داشت و به بلوغ فکری نیز رسیده بود اما باز هم با اجبار و نارضایتی ازدواج نمود. او این بار با پسرعمویش فتح‌الله‌خان ازدواج کرد «وقتی من شوهر به ایشان نمودم، دارای چهار زن بود [و] چهار صبیقه [صبیغه]، پنج پسر، چهار دختر برادرش فوت شده بود او هم سه پسر داشت که در خانه فتح‌الله‌خان بودند» (۱۳۸۲: ۱۱۱). نارضایتی وی از این ازدواج به گونه‌ای بوده که در هنگام جاری شدن خطبه عقد حاضر به گفتن بلی نبود که با اصرار برادرهایش اسفندیارخان و سرداراسعد رضایت داد (همان: ۱۱۳). او در علت اجبار در ازدواج دوم به دو عامل اشاره نموده است. اولین مورد رشوه دادن فتح‌الله‌خان به اطرافیان وی برای جلب رضایت آنها و همچنین فشار آوردن به بی بی مریم برای رضایت به این امر «رشوه که مقدس‌ترین چیزهای عالمیت در ایران و مشکل‌گشای هرکاری می‌باشد به وزرای برادرهایم می‌داد به نوکرهایی که طرف توجه بودند می‌داد» و با استفاده از این روش «فامیل مرا بمن شوراند» (همان: ۱۱۰). در واقع بی بی مریم به یک آسیب اجتماعی جدی در ایران دوران قاجار اشاره می‌کند که برای همه امور کاربرد داشته است. پولاک می‌گوید شاهد مواردی بوده که با پرداخت رشوه اجازه برای شوهر دادن

دختر هفت ساله را گرفته‌اند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴۱).<sup>۱</sup> مورد دوم مسئله تقدیرگرایی در این ازدواج است «روزگار مقدرات خدای هم با آنها همراهی نمود» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۱۰) و در ادامه می‌نویسد سردار ظفر مخالف این ازدواج بود اما در نهایت او نیز با این گفته که کار را به مقدرات الهی واگذار کند رضایت داد (همان: ۱۱۰). به هر روی دو عاملی که بی‌بی مریم به آنها اشاره کرده دو جریان کاملاً فعال در دوره قاجار بوده است که یکی برای پیشبرد امور و دیگری برای توجیه اموری که پشتوانه عقلی نداشت استفاده می‌شد.

بی‌بی مریم از عدم رضایت خواهر دوم خود بی‌بی نیلوفر نیز در ازدواج اجباری سخن می‌گوید (همان: ۴۳). اگر وضعیت دختران طبقه خوانین به این شیوه بود می‌توان به عمق ماجرا در مورد زنان و دختران طبقات عادی پی برد. بی‌بی مریم در ضمن بیان این خاطرات به شدت به وجود چنین رسومی در میان بختیاری‌ها تاخته و از طریق بیان آنها هم در پی شناساندن مشکلات زنان بختیاری به نسل‌های آینده و هم بدنبال برانگیختن مردان بختیاری در جهت اصلاح این رسوم بوده است.

پس از ازدواج نوبت به نقد شوهرداری و خانه‌داری زنان می‌رسد که در این زمینه می‌نویسد «خدا می‌داند زن‌های ایرانی در خانه شوهر اسیرند» (همان: ۱۱۱). ظاهراً رفتار توأم با خشونت و کم‌اهمیت شمردن زنان طبیعت رفتار مردان در این زمان بوده است. بی‌بی مریم در این مورد مثال همسر دوم خود را می‌آورد «تمام آرزوی او این بود که چند عیال و چند نفر فاحشه داشته باشد، که در مقابل او، او را خان مال‌الرقاب خطاب کنند ... هر وقت هم میل داشت آنها را برهنه بکند و کتک بزند و تهمت نامشروع هم بزند و بدون اینکه ملاحظه بکند اولاد دارند» (همان: ۱۴۷).

یکی دیگر از مواردی که بی‌بی مریم خود آن را تجربه کرده و امری کاملاً ناخوشایند برای زنان است، بیوه شدن بر اثر فوت همسر می‌باشد. بی‌بی مریم در بیست سالگی همسر اول خود را از دست داد و در خاطرات خود این آسیب را در قالب سرگذشت خویش بیان نموده است. در یک جامعه مردسالار زن اساساً وابسته به مرد می‌باشد و به تنهایی قادر به ادامه حیات آبرومند نیست زیرا می‌بایست تحت سرپرستی یک مرد قرار گیرد. نظام‌های مردسالار «زنان بدون حضور مرد را ناتوان در مراقبت خود و خانواده می‌دانند و ضمن اینکه حضور زنان بیوه را باعث

۱ منابع مختلف به رشوه و گستردگی آن در جامعه ایران قاجار اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه: سینکی، ۱۳۲۱: ۱۵. شوستر، ۱۳۳۴: ۹۶. دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۲. مستوفی، ۱۳۸۶: ۷۱۱. آدمیت، ۱۳۶۲: ۵۴۸.

شرمساری و آبرو ریزی خانواده قلمداد می‌کنند» (کمال‌الدینی و ازکیا، ۱۳۹۵: ۱۹۱). بی‌بی مریم می‌گوید پس از مرگ شوهر اول برای حفظ فرزندانش (سه پسر) ناچار می‌بایست با یکی از برادران شوهرش ازدواج کند وگرنه یا باید بچه‌هایش را ترک کند «یا بایست خود را به زحمت فوق‌العاده بیندازم خیلی بر من سخت بود» (۱۳۸۲: ۸۸). یعنی در صورت عدم ازدواج با برادر شوهر، نگهداری فرزندان مرد متوفی با توجه به اینکه زنان ارث هم نمی‌برند بلحاظ اقتصادی بسیار دشوار است. او عاقبت زن بیوه‌ای که نخواهد ازدواج مجدد کند را چنین ترسیم می‌کند که اگر پسر داشته باشد باید صبر کند تا پسرش بزرگ شود «آنوقت در پناه پسر خود یک زندگانی که سربار پسر باشیم بکنیم هر کس پسر نداشت که باید عمرش را به ذلت و فقری بگذراند» (همان: ۱۱۶). در واقع این زن بیوه مجدداً باید منتظر یک شخص مذکر (پسر) شود تا به جایی برسد که بتواند سرپرستی آن زن را برعهده بگیرد. وابستگی مفرط زنان به مردان به خوبی در مسئله زنان بیوه هویدا می‌باشد.

زندگی شخصی بی‌بی مریم بختیاری درگیر انواع مسائل زناشویی بوده و تقریباً با همه مواردی که ممکن بود در زندگی‌های زناشویی رخ دهد، مواجه شده است. ازدواج دوم وی به دلیل نارضایتی شدیدی که از همسر دوم داشت درگیری جدی با مسئله طلاق داشت به همین خاطر وی در خاطراتش مشکلاتی که در طلاق‌گریبان‌گیر زنان بوده را نوشته است. زندگی زناشویی با فتح‌الله‌خان پسر عموی موفق نبوده و یک نوع طلاق غیررسمی بین آنها رخ داده است. چهار سطح در انسجام خانواده قابل توصیف می‌باشد؛ رها، متصل، منسجم و گرفتار «حد خیلی پایین انسجام، رها و حد خیلی بالایی آن گرفتار نام دارد» (اسکافی و ترکمان، ۱۳۹۴: ۲۴). زندگی دوم بی‌بی مریم را از نوع رها می‌توان توصیف نمود زیرا یک جدایی غیررسمی میان او و همسرش وجود داشت. علت این جدایی را بی‌بی مریم در خیانت‌های مکرر شوهرش و بالهوسی‌های وی می‌داند به گونه‌ای که شوهرش همواره در اصفهان و به دنبال هواهای نفسانی بوده است. بی‌بی مریم تلاش زیادی می‌کند که بتواند از این شوهرش جدا شود اما به دلیل آنکه در بین بختیاری‌ها «طلاق رسوایی بزرگی انگاشته می‌شود و به ندرت روی می‌دهد» (رایس، ۱۳۸۳: ۶۴) این اتفاق رخ نمی‌دهد. بی‌بی مریم در خاطراتش دو عامل مهم را سبب عدم طلاق خود می‌داند یکی اصرار برادران بر عدم انجام این رسوایی و دیگر آنکه اگر طلاق می‌گرفت می‌بایست از پسر خویش نیز می‌گذشت (۱۳۸۲: ۱۶۱). یکی از قوانین طلاق در زمان قاجار آن بوده که سرپرستی اولاد پس از طلاق بر عهده مرد بود و زنان مطلقه حقی برای نگهداری فرزندان خود نداشتند (دروویل، ۱۳۴۸: ۱۲۶). این عوامل سبب شد بی‌بی مریم راضی به یک

جدایی غیر رسمی شود. وی می‌نویسد: «قسم خوردم تا عمر دارم با فتح‌الله‌خان بقانون زن و شوهری رفتار نکنم ... فتح‌الله‌خان هر جا میل دارد با خیال‌های ننگین خود زندگانی بکند، من هم در خانه باشم و پسر را تربیت بکنم» (۱۳۸۲: ۱۶۲). این جدایی غیر رسمی در سی سالگی بی‌بی مریم رخ داد. به نظر می‌رسد عدم تعهد و صمیمیت و همچنین خیانت‌های فتح‌الله‌خان که برخی از این نوع روابط به روابط غیر عشقی تعبیر کرده‌اند (حاجی‌زاده میمندی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۲) عامل اصلی جدایی غیر رسمی آنها بوده است.

جدایی رخ داده بین بی‌بی مریم و همسرش را می‌توان در زمره طلاق‌های پنهان قرار داد. طلاق پنهان از همه نظر دارای ویژگی‌های طلاق آشکار می‌باشد اما به دلایلی چون موانع فرهنگی، ارزشی و موقعیتی خاص تبدیل به طلاق آشکار نمی‌شود که این نوع طلاق‌ها بدون ابطال ازدواج اتفاق می‌افتد (پروین و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۶؛ حاجی‌زاده میمندی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۱). سختی‌های طلاق ایرانی و خصوصاً بختیاری که در آن «بی‌بی‌ها هرگز طلاق نمی‌گیرند» (رایس، ۱۳۸۳: ۸۴) و همچنین جایگاه و موقعیت اجتماعی بی‌بی مریم و خانواده وی عمده عواملی بوده‌اند که مانع طلاق رسمی میان آنها شده است. همچنین آلمانی بر این عقیده است که طلاق در ایران بیشتر در میان طبقات پایین رخ می‌دهد و «در طبقه اعیان و اشراف و توانگران کمتر واقع می‌شود زیرا که ترس گرفتار شدن بکینه ورزی اقوام زن و یا ترس از فاش شدن اسرار محرمانه خود کمتر بچنین عملی مبادرت می‌نمایند» (آلمانی، ۱۳۳۵: ۲۷۰).

به طور کلی شرایط طلاق در میان بختیاری‌ها سخت بود و طرف آسیب‌پذیر نیز در این جریان زنان بوده‌اند و مردان در این زمینه کمتر دچار سختی و زحمت می‌شدند و حتی می‌توان گفت به سادگی این کار را انجام می‌دادند و با آن کنار می‌آمدند. بی‌بی مریم به جریانی اشاره دارد که نشان‌دهنده شکننده بودن وضعیت زنان در یک زندگی مشترک می‌باشد. او می‌نویسد زمانیکه سردار اسعد قصد داشت به قشلاق برود همه زنان خویش را در قهفرخ جا گذاشته و قبل از عزیمت آنها را جمع نمود و به بی‌بی مریم (خواهرش) اختیار داده بود که هر کدام از آنها تخلفی کرد او از طرف سردار اسعد وکیل است که آن زن را طلاق دهد (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۷). این امر به خوبی نشان‌دهنده آسیب‌پذیر و شکننده بودن جایگاه یک زن در روابط زناشویی است به گونه‌ای که خواهر شوهر زن می‌توانسته حتی بدون حضور شوهر او را طلاق دهد.

عدم آگاهی به مسائل شرعی طلاق نیز یکی از مواردی می‌باشد که بی‌بی مریم به آن اشاره نموده است. در ماجرای ازدواج اول بی‌بی مریم وی را در چهل روزگی عقد کرده بودند اما زمانیکه شوهر وی قصد عروسی با او را نموده بود برادرانش اصرار کردند علیقلی خان از این

ازدواج درگذرد و بی‌بی مریم را طلاق دهد که وی نیز قبول نکرد. بی‌بی مریم می‌نویسد «آنوقت خیلی در تاریکی بی علمی و جهالت قدم می‌زدیم ، نمی‌دانستیم که بگویم عقدی که پدرم در چهل روزه عمر من نموده است قبول ندارم و شوهر نمی‌کنم» (همان: ۵۳). در واقع بنابر موازین شرعی چنین عقدی به دلیل نارضایتی دختر باطل می‌باشد اما طرفین از این امر ناآگاه بودند. بسیاری از دختران را در آن زمان به این شیوه عقد می‌کردند و زمانی که به بلوغ می‌رسیدند نه خود و نه خانواده‌های آنها نمی‌توانستند منکر عقد اولیه شوند و باید آن را به اجرا در می‌آوردند. طرف آسیب پذیر در این جریان بازهم دختران بودند زیرا مرد اختیار آن را داشت که چنین ازدواجی را نپذیرد. بی‌بی مریم در جریان معرفی خواهر ششم خود بی‌بی ماه که با شوهرش دچار مشکل بود به علل عمده اختلافات زناشویی اشاره کرده و به رسوم طلاق در میان بختیاری‌ها نیز تاخته است. او چنین می‌نویسد: «بدبختی ما ایرانی‌ها بخصوص بختیاری‌ها اینست که دختر و پسر همدیگر را ندیده و طبیعت هم را نه آزموده، پدر و مادر آنها را زن و شوهر می‌کنند. آنوقت عاقبت این نوع می‌شود. آنوقت هم که زن و شوهر با هم موافق نمی‌شوند، باید طلاق هم نگیرند، با این جور زندگانی به سر ببرند. در حقیقت لعنت بر این قانون غیر قانون» (۱۳۸۲: ۴۷).

به طور کلی قوانین ازدواج در ایران دوره قاجار و به ویژه در میان جامعه بختیاری، به ضرر زنان بوده و این امر سبب شده که آنها بشدت در زندگی مشترک آسیب‌پذیر باشند. در خاطرات بی‌بی مریم می‌توان به وضوح نوعی اعتراض تند و طغیان در برابر این قوانین را مشاهده نمود. وی برخی از زوایای پنهان قوانین ازدواج در جامعه بختیاری را عیان نموده که تقریباً در هیچ منبع دیگری ذکری از آنها به میان نیامده است و به نوعی اطلاعاتی بکر محسوب می‌شوند. او برای تبیین و تشریح این قوانین نادرست که با شرع مقدس نیز مغایرت داشته‌اند، از بیان مشکلات زندگی مشترک خویش ابایی نداشته و مثال‌هایی از زندگی خود بیان نموده که حاکی از صداقت وی بوده و حتی سبب اطمینان بیشتر مخاطب به نوشته‌های او شده است.

### تاثیرپذیری وضعیت زنان از تحولات سیاسی و اختلافات خانوادگی

زندگی و آرامش زنان به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه متأثر از وضعیت مردان بوده است. جایگاه رفیع یک خانواده می‌توانست سبب آرامش زنان آن خانواده گردد و بالعکس آن نیز صادق بود. یکی از مهمترین تحولات زندگی بی‌بی مریم بختیاری مربوط به ابتدای زندگی وی و کشته شدن پدرش توسط ظل‌السلطان بود. این واقعه سبب حیرت ایل بختیاری شده بود و آنها را در سوگی

عمیق فرو برد. بی‌بی مریم می‌نویسد در مراسم سوگواری پدرش زنان بر طبق یک رسم و سنت گیسو بریدند به گونه‌ای که هزار من گیسو بریده شد (همان: ۳۳). البته این شاید اغراق باشد ولی به هر روی نشانگر اهمیت پدرش و میزان بزرگی این واقعه می‌باشد که آغاز دوران تلخکامی خانواده حسینقلی خان بود. این رخداد سبب مغضوبیت خانواده وی به مدت هفت سال شد «هفت سال درست در زیر فشار استبداد قاجاریه بی انصاف افتادیم» (همان: ۳۳). بی‌بی مریم در جای دیگر به آزار و اذیت خانواده خود توسط حکومت قاجار و همچنین خوانین بختیاری که عموهای وی بودند اشاره دارد. در این بین زنان خانواده حسینقلی خان بیشترین آسیب را هم از لحاظ جسمی و هم روحی دیدند «خدا می‌داند که چه سختیها کشیدیم» (همان: ۶۶). روحیه شکننده زنان با چنین حوادثی چندان سازگار نبود و همین امر مسلما در زندگی شخصی آنها بی تاثیر نبوده است.

اسفندیارخان پسر حسینقلی خان پس از کشته شدن پدرش زندانی شد. بی‌بی مریم از مصائب خانواده اسفندیارخان در دوران اسارت وی یاد می‌کند «هر روز عیال و خانواده او را دربدر و آواره از این ده به آن ده می‌گرداندند» (همان: ۶۶). چنین رفتارهایی با خانواده‌های مغضوبین سیاسی یک امر تقریباً مرسوم در تاریخ ایران بوده است «چنین خشونت‌هایی در حالی رخ می‌داد که زنان به عنوان قشر آسیب‌پذیر و ضعیف جامعه، کوچکترین دخالتی در خطای پدران و یا همسران خود نداشته‌اند» (مهمان‌نواز، ۱۳۹۸: ۳۵۱) و در واقع این خشونت علیه زنان در راستای تادیب و فشار آوردن به افراد خاطی (از نظر حکومت) بوده است.

مورد دیگری که زنان بدون داشتن گناهی و صرفاً به سبب موقعیت مردان مورد خشونت قرار می‌گرفتند، مربوط به اختلافات خانوادگی می‌باشد. بی‌بی مریم به اختلاف میان علیقلی خان همسر اولش با برادرش اشاره دارد که در آن ماجرا زنان خانواده برادر شوهرش به دلیل فشارهای بوجود آمده از سوی علیقلی خان به شدت مورد اذیت و تحقیر قرار گرفته‌اند که بی‌بی مریم واسطه شده و آنها را از این وضعیت نجات می‌دهد (۱۳۸۲: ۸۶-۸۵). زنان به سبب وضعیت جسمانی ضعیف‌تری که داشتند در کشمکش و رقابت‌های مردان با یکدیگر بیشترین آسیب را می‌دیدند. در واقع زنان در هنگام آرامش و آسودگی خانواده از سوی مردان خانواده بعضاً مورد کم‌اهمیتی و خشونت قرار می‌گرفتند و در زمان اختلافات خانوادگی و تلاطمات سیاسی از سوی مردان خارج از خانواده مورد تهدید بودند و در هر دو حالت قشر آسیب‌پذیر زنان بودند.



## نتیجه

زنان ایلات در دوره قاجار عمیقاً در نقش‌های خود در جامعه ایلی فرو رفته و این امر سبب شده بود تقریباً با آموزش و سواد بیگانه باشند و به تبع، از حقوق خود نیز کمترین آگاهی را داشته باشند. ضمناً شیوه معیشت سبب گردیده که جامعه ایلی جامعه‌ای به مراتب مردسالارتر از جامعه شهری باشد. در چنین فضایی برخی از زنان که عمدتاً از طبقات بالای جامعه بودند به عنوان پیشگامان مبارزه در راه احقاق حق زنان مطرح شدند و سعی نمودند فضای جامعه را به سمت فشار کمتر نسبت به زنان سوق دهند. بی‌بی مریم بختیاری با دارا بودن چنین خصلتی، در زمینه پیشرفت زنان از افراد دغدغه‌مند روزگار خویش بوده که به این دغدغه‌ها در قالب خاطرات خویش پرداخته است. گرچه خود وی ادعا نموده که نتوانسته برای زنان کاری انجام دهد اما وی به عنوان یک الگو توانست الهام‌بخش برای زنان جامعه ایران و خصوصاً زنان بختیاری باشد. او به عنوان یکی از مهمترین زنان بختیاری و ایران در جریان‌ات مختلف سیاسی از جمله مشروطه و مسائل مربوط به جنگ جهانی اول نیز ایفای نقش نموده است.

خاطرات بی‌بی مریم و دیدگاه‌های وی مملو از انتقادات تند نسبت به وضعیت زنان در ایران می‌باشد. وی از معدود منتقدانی است که صرفاً به بیان انتقاد از وضعیت نپرداخته و سعی نموده است به علل مشکلات و راهکارهای مقابله با آنها نیز بپردازد. در پاسخ به این سوال که وضعیت نامساعد زنان از دیدگاه بی‌بی مریم ناشی از چه عواملی بوده است باید عنوان نمود: مهمترین علتی که از نظر وی سبب تضييع حقوق زنان شده، مسئله بی‌سوادی، جهالت زنان و عدم آشنایی آنها با حقوق اولیه خود می‌باشد. بی‌بی مریم بیشتر از آنکه از مردان یا گرایش‌ات مردسالارانه انتقاد کند به انتقاد از زنان می‌پردازد و کاهلی آنها و عدم تجهیز کردن خویش به سواد را عامل بدبختی‌های زنان دانسته است. مهمترین مسائلی که بی‌بی مریم به عنوان مشکلات اصلی زنان بر روی آنها تاکید کرده یکی عدم رسیدن ارث به زنان و دیگری مشکلات طلاق در ایل بختیاری می‌باشد. از نظر وی این دو مسئله لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند به این نحو که اگر به زن ارث می‌رسید بسیاری از زنان مجبور نبودند زندگی سخت و طاقت‌فرسای خانه شوهر را تحمل کنند و می‌توانستند با ارثی که به آنها رسیده به امرار معاش بپردازند. در همین راستا وی به محدودیت زنان در زمینه اشتغال نیز تاخته و این امر را نیز در راستای اسارت بیشتر زنان تعبیر نموده است. به طور کلی بی‌بی مریم یک منتقد جدی نسبت به امور زناشویی در میان بختیاری‌ها بوده و علاوه بر طلاق به مسئله ازدواج در سنین پایین، عدم آشنایی قبل از ازدواج زوجین و مشکلات عدیده زن شوهر مرده، نیز انتقادات جدی داشته است.

دو موردی که بی‌بی مریم در خاطرات خود تاکید ویژه‌ای بر آنها داشته و شدیداً ناراحتی خود را از وجود آنها در جامعه بختیاری ابراز داشته، مسئله عدم ارث بردن زنان و ازدواج‌های اجباری بوده است. با کنکاش در جامعه بختیاری می‌توان به این نتیجه رسید که شیوه زندگی رایج در ایل بختیاری که به صورت ایلیاتی و متکی بر اقتصاد شبانکاره‌ای بوده تعیین‌کننده بسیاری از شرایط و قوانین حاکم بر این جامعه بوده است. نباید از نظر دور داشت که به سبب شرایط خاص حاکم بر شیوه زندگی و معیشت جامعه ایلی اتکای اصلی این جامعه به مردان بوده و مرد عنصر اصلی خانواده محسوب می‌شد که هم تأمین‌کننده ملزومات اقتصادی بوده و هم نقش محافظ خانواده را داشته است. این دو عامل سبب برتری مردان در چنین جوامع شده است و طبقاً قوانین نیز به سود مردان جامعه می‌باشد. وجود چنین فرایندی در نظام اجتماعی ایل بختیاری می‌تواند از دلایل عمده نرسیدن ارث به زنان باشد. همچنین باید عنوان نمود که در جوامعی با ساختار عشیره‌ای، رقابت‌ها از سطح پایین آن جامعه شروع می‌شود و تا بالاترین سطح یعنی خوانین ادامه دارد. طبیعتاً با چنین شرایطی اگر خانواده‌ها به دختران خود ارث می‌دادند به نوعی سبب تقویت رقبای خویش می‌شدند که می‌توانست در آینده به ضرر آنها تمام شود. در خاطرات بی‌بی مریم می‌توان موارد متعددی از این اختلافات و رقابت‌ها که از سطح خانواده‌ها تا سطح طایفه می‌باشد را مشاهده نمود که در مواردی حتی منجر به قتل و برادرکشی شده است. از طرفی ریشه ازدواج‌های اجباری را نیز می‌توان در وجود چنین رقابت‌هایی یافت زیرا خانواده‌ها در این جوامع به دنبال متحدانی برای مواقع ضروری می‌باشند و یکی از راه‌های ساده برای اتحاد و همبستگی با دیگر خانواده‌ها برقراری پیوند ازدواج بوده است. در چنین مواقعی خانواده‌ها صرفاً بر اساس منافع خویش دختران خود را شوهر می‌دادند و در این فرآیند خواست دختر کمترین اهمیت را داشته است و چه بسا دختران در بسیاری از موارد حتی در جریان چنین توافقی نبوده‌اند. نمونه عینی این مورد را می‌توان در ازدواج‌های بی‌بی مریم به ویژه ازدواج اول او که عقد آن در دوران طفولیت بسته شده بود مشاهده نمود. در ازدواج‌های اجباری، طرفی که متضرر می‌شد و مورد ظلم قرار می‌گرفت همواره زنان بودند زیرا مردان در صورت نارضایتی از ازدواج به راحتی می‌توانستند ازدواج‌های مجددی انجام دهند اما زنان تقریباً در هیچ حالتی قادر به تغییر روند زندگی خود نبودند زیرا قوانین حاکم بر جامعه بختیاری تقریباً طلاق را غیرممکن می‌ساخت. تمرکز اصلی خاطرات بی‌بی مریم نیز بر روی اعتراض به چنین وضعیتی قرار دارد و صدای اعتراض زنانی می‌باشد که نه توانی برای اعتراض و نه سواد برای انتقال رنج‌های خویش به نسل‌های آینده دارند.

## منابع

- آدمیت. فریدون (۱۳۶۲). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- آلمانی. هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- اسکافی. مریم؛ ترکمان. فرح (۱۳۹۴). *سنجش و سنخ‌شناسی طلاق عاطفی در شهر مشهد*. پژوهش‌نامه زنان. سال ۶. شماره ۴. صص ۱۹-۳۹.
- اشرف. احمد (۱۳۸۸). *خاطرات: سابقه خاطره نگاری در ایران*. بخارا. شماره ۷۴. صص ۳۶۳-۳۳۹.
- بختیاری. مریم (۱۳۸۲). *خاطرات سردار مریم بختیاری (از کودکی تا آغاز انقلاب مشروطه)*. ویراسته غلامعباس نوروزی بختیاری. تهران: انزان.
- بهشتی سرشت. محسن؛ پرویش. محسن (۱۳۹۴). *بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار (باتاکید بر نشریه نامه بانوان)*. زن در فرهنگ و هنر. دوره ۷. شماره ۳. صص ۳۲۷-۳۴۱.
- بیشوب. ایزابلا (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*. ترجمه مهرباب امیری. تهران: سهند و انزان.
- پروین. ستار؛ دیگران (۱۳۹۱). *عوامل شناختی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی*. مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۴. شماره ۵۶. صص ۱۵۳-۱۱۹.
- پولاک. یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- حاجی‌زاده میمندی. مسعود؛ دیگران (۱۳۹۵). *بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی*. مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۸. شماره ۷۱. صص ۸۵-۱۰۸.
- خوانساری. آفاجمال (۲۵۳۵). *کلثوم ننه*. تهران: انتشارات مروارید.
- دروویل. گاسپار (۱۳۴۸). *سفرنامه دروویل*. ترجمه جواد محبی. چاپ ۲. تهران: گوتنبرگ.
- دنیاری. سکینه؛ علم. محمدرضا (۱۳۹۵). *بررسی وضعیت اجتماعی زنان در دوره قاجار با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان*. جندی‌شاپور. سال ۲. شماره ۶. صص ۵۷-۳۴.
- دیگار. ژان پی یر (۱۳۶۹). *فنون کوچ‌نشینان بختیاری*. ترجمه اصغر کریمی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- دیولافوا. ژان (۱۳۷۶). *ایران کلد و شوش*. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران.
- رایس. کلارا کولیور (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*. ترجمه اسدالله آزاد. تهران: کتابدار.
- ربانی‌زاده. سیدمحمدرحیم؛ دیگران (۱۳۹۴). *بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان ایل بختیاری بر اساس آثار سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجاریه*. پژوهش‌نامه زنان. سال ۶. شماره ۳. صص ۸۰-۶۳.
- سینکی. مجدالملک (۱۳۲۱). *رساله مجدیه*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: بانک ملی.
- شوستر. ویلیام مورگان (۱۳۳۴ق). *اختناق ایران*. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری. کلکته: جبل‌المتین.

- شهری. جعفر (۱۳۶۷). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم. ج ۱. تهران: رسا.
- ظل السلطان. مسعود میرزا (۱۳۶۸). خاطرات ظل السلطان. بکوشش حسین خدیو جم. ج ۲. تهران: اساطیر.
- عین السلطنه. قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه. تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار. ج ۲. تهران: اساطیر.
- فصیحی. سیمین (۱۳۸۸). از تاریخ مردان نخبه تا تاریخ زنان فراموش شده: علل تاخیر در پیدایش تاریخ‌نگاری زنان. فصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری. سال ۱۹. شماره ۲ (پیاپی ۷۸). صص ۴۳-۶۷.
- قربان‌پور دشتکی. خدابخش (۱۳۸۱). ایران‌شناسی: بختیاری‌ها؛ گذشته و حال. مطالعات ملی. شماره ۱۴. صص ۱۷۱-۲۰۴.
- کجباف. علی اکبر؛ دیگران (۱۳۹۲). نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ق/۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م). پژوهش‌های تاریخی. سال ۵ (پیاپی ۴۹). شماره ۴ (پیاپی ۲۰). صص ۳۹-۵۴.
- کرمانی. ناظم الاسلام (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- کمال‌الدینی. معصومه؛ ازکیا. مصطفی (۱۳۹۵). مطالعه پدیده ازدواج اجباری زنان در فجایع طبیعی (پیامدهای اجتماعی فاجعه در زنان بازمانده زلزله ۱۳۸۲ بم). نامه انسان‌شناسی. سال ۱۴. شماره ۲۵. صص ۱۶۹-۲۰۲.
- لایارد. اوستن هنری (۱۳۶۷). سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران. ترجمه مهرباب امیری. تهران: وحید.
- مستوفی. عبدالله (۱۳۸۶). شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه). تهران: هرمس.
- مقدادی. محمدمهدی؛ جوادپور. مریم (۱۳۹۶). تاثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن. فصلنامه حقوق پزشکی. سال ۱۱. شماره ۴۰. صص ۳۱-۶۰.
- مهمان‌نواز. محمود (۱۳۹۸). بررسی تحلیلی خشونت، مجازات و محدودیت علیه زنان در دوره صفویه با تکیه بر سفرنامه‌نویسان فرنگی. زن و جامعه. سال ۱۰. شماره ۴۰. صص ۳۳۹-۳۶۴.
- نوروز مرادی. کورش (۱۳۸۰). مأخذشناسی و کرنولوژی مطبوعات تخصصی زنان ایران. پیام بهارستان. شماره ۸. صص ۳-۸.
- ویشارد. جان (۱۳۶۳). بیست سال در ایران. ترجمه علی پیرنیا. بی‌جا: نوین.
- ویلسن. آرنولد (۱۳۴۷). سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران. ترجمه و تلخیص حسین سعادت نوری. تهران: وحید.